جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مهدی نقویان (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | رجب‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

گزارشی از کعده «راه‌نما» با بررسی مستند «راهی»

فیلمی که تجربه تصویری پیاده‌روی اربعین را ایجاد می‌کند

گعده «راه‌نما» که به گفت و شنود درباره آثار مستندسازان جوان انقلابی اختصاص دارد، در آستانه فرارسیدن اربعین حسینی به فیلم مستند «راهی» درباره پیاده‌روی نجف تا کربلا پرداخت. در این نشست که توسط دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار در حسینیه هنر برگزار شد، مهدی شاهسواری، کارگردان این مستند، نعمت‌الله سعیدی، نویسنده و منتقد سینما و آرش فهیم، مجری و کارشناس به بحث پرداختند.

فیلم بدون فیلم‌نامه

شاهسواری در ابتدای بحث با اشاره به موضوع مستند، گفت: موضوع مستند به‌صورت اتفاقی به من پیشنهاد شد و چون در موضوع پیاده‌روی اربعین اولین کارم بود و حتی در این حرکت عظیم نیز شرکت نکرده بودم از این پیاده‌روی تصور درستی در ذهنم نبود و با فیلم‌نامه‌ای که نوشتم، راهی مرز مهران شدیم ولی با رسیدن به مرز مهران متوجه شدم واقعیت با چیزی که من در فیلم‌ها مشاهده کرده‌ام متفاوت است و یا باید برمی‌گشتیم و یا باید بدون در نظر گرفتن فیلم‌نامه وارد عرصه می‌شدیم. بنابراین به خدا توکل کردیم و سفر را ادامه دادیم.

فهیم در مورد مستند «راهی» گفت: در این مستند سوژه و راوی، شخص فیلم‌ساز است و یک سیر داستانی از ابتدا تا انتهای سفر را دنبال می‌کند در طی مسیر با افراد و اتفاقات شگفت‌انگیزی مواجه می‌شود و از این منظر با دیگر مستندهای این عرصه متفاوت است.

دوگانه فرم و محتوا

سعیدی در ادامه صحبت فهیم گفت: در ارتباط با مستندهایی که با موضوع اربعین دیده‌ایم دو مشکل اساسی وجود دارد. یا کارگردان‌ها اکثراً به سمت فرمگرایی رفته و خواسته‌اند باحالتی شاعرانه به این اتفاق نگاه کنند و با فرم، حرف‌هایی مطرح کنند مثلاً از حواشی راهپیمایی اربعین تصاویری ارائه دهند. اما طیف دوم گروهی هستند که فرم و ساختار را به‌کلی رها می‌کنند و سراغ مسائل محتوایی این ماجرا مانند عواطف و اعتقادات افراد می‌روند. البته افرادی که خواسته‌اند به این اتفاق از منظر محتوایی نگاه کنند ضعیف‌ترین بخش کارشان نیز محتوا بوده و همچنین طیف اول نیز که خواسته‌اند از منظر فرم به ماجرا نگاه کنند نقطه‌ضعف اصلی فیلمشان فرم است. در حقیقت دوگانه فرم و محتوا غلط است بلکه دوگانه اصلی این است آیا فرم برای محتوا می‌باشد یا محتوا برای فرم؟ در پاسخ باید گفت فرم برای محتوا است. در مستند راهی برای کارگردان فرم، نه اولویت بوده و نه بی‌اهمیت بوده و تعادل بین ساختار و محتوا را حفظ کرده است.

سعیدی افزود: ما ذیل تمدنی زندگی می‌کنیم که غایت آن لذت است به همین دلیل اقتصاد محور قرار دارد اما نگاه دینی می‌گوید غایت انسان آگاهی و معرفت است و برای فهمیدن آفریده شده است. در این مستند می‌بینیم تمام لذت‌هایی که در پیاده‌روی اربعین وجود دارد ذیل معرفت شیعی و عاشورایی جای گرفته است.

پیوند شیعه و سنی در اربعین

شاهسواری در باب بحث فرم و محتوا گفت: اگر ما بخواهیم یک اثر بین‌المللی بسازیم باید از فرم استفاده بهینه کنیم، من در بخش‌هایی از فیلم سعی کرده‌ام مستند بین‌المللی شود به‌عنوان‌مثال در پایان، تصویری از پرچم کشورهای مختلف پخش می‌شود همچنین در بخش دیگری برادران اهل سنت برای زائران امام‌حسین(ع) نذری فراهم می‌کنند و این نشانگر پیوند بین شیعه و اهل سنت است.

ضعف رسانه در اربعین

سعیدی در مورد سکوت رسانه‌های غربی در قبال پیاده‌روی اربعین گفت: بی‌بی‌سی این حرکت را نمی‌خواهد پوشش دهد بلکه از آن بالاتر نمی‌تواند به تصویر بکشد چون این حرکت را به‌هیچ‌وجه نمی‌فهمد به‌عنوان‌مثال در فیلم‌های‌هالیوودی به نحوه ثروتمند شدن افراد می‌پردازند ولی در اینجا فرد خانه خودش را نذر زائران می‌کند و این دو، قطب‌های مخالف یکدیگرند. در اهمیت ماجرای اربعین باید گفت این اتفاق رخنه‌ای عمیق در نوع تفکری است که ذیل آن زندگی می‌کنیم و غایت انسان را اقتصاد می‌داند و با مقایسه آن با بزرگ‌ترین رخدادهای دنیا به ضعف رسانه‌ای درزمینه اربعین پی می‌بریم به‌عنوان‌مثال در المپیک که به‌طور مستقیم صد هزار نفر درگیر هستند، یک میلیارد نفر را پوشش رسانه‌ای می‌دهند ولی در اربعین که میلیون‌ها نفر درگیر هستند، رسانه‌ها تنها برای صد هزار نفر کار تولید می‌کنند. در مثل می‌گویند ابلها مردا عدوی تو نیستم من، انکار توام، اربعین عدوی فرهنگ غرب و اسلام آمریکایی نیست بلکه اربعین انکار فرهنگ غرب است.

انگیزه سفر اربعین

فهیم با اشاره به تصاویری از مستند گفت: این مستند در انسان حس راه‌پیمایی اربعین را به‌صورت مجازی ایجاد و فرد را بیش‌ازپیش به حضور در این رخداد تشویق می‌کند اما با توجه به اینکه مستند با زیارت حرم حضرت عبدالعظیم شروع و بعدازآن فوراً بحث راهپیمایی اربعین مطرح می‌شود درصورتی‌که دلیل این زیارت مشخص نیست لذا با توجه به اهمیت نحوه شروع فیلم‌ها که به‌نظرم پنجاه‌درصد کار است اگر آقای شاهسواری در ابتدا، این موضوع را بیشتر باز می‌کرد مستند با شور و حرارت بیشتری آغاز می‌شد.

سعیدی در ادامه گفت: اکثر کارهای مستند اگر بتوانند در چند دقیقه اول مخاطب را جذب کنند نود درصد موفقیتشان را کسب کرده ولی اگر دقایق اولیه را از دست دهند فقط ده درصد مخاطب بالقوه خود را نگه‌داشته‌اند از طرفی اگر مخاطب را به سه بخش خودی، خنثی و مخالف تفکیک کنیم در مقابل مخاطب خودی بحث این نیست که انگیزه برای رفتن به سفر اربعین چیست بلکه برعکس می‌گوید چرا تابه‌حال نتوانسته‌ای بروی؟ پس‌ازاین نظر نحوه شروع مستند صحیح بوده اما در مورد مخاطب خنثی و مخالف این‌گونه نیست و اگر در بخش اول قوی‌تر عمل می‌کرد و می‌فهماند این سفر نیاز به انگیزه ندارد بخش دوم و سوم را نیز پوشش می‌داد.

شاهسواری درباره هزینه‌های مستند گفت: دو نوع فیلم‌سازی وجود دارد یک اینکه طرح را به نهادی ارائه کنیم و طبق سابقه کاری به ما بودجه بدهند و دو اینکه با یک دوربین و فیلم‌نامه و مشورت با چند نفر اهل‌فن و توکل کار را شروع کنیم همان‌طور که ما از توکل خیلی بهره برده‌ایم و خیلی از فیلم‌هایمان را با توکل ساخته‌ایم.

صداقت فیلم‌ساز

سعیدی در ادامه گفت: در این مستند برخی سکانس‌ها اضافه است و نه سکانس بلکه خود موضوع مانند موضوعیت یافتن عوامل، اضافه است و احتمالاً هدف عوامل این بوده که اگر در روند کار، سوژه‌های جذابی گیر نیاوردند خود پیاده‌روی عوامل فیلم، محور اصلی باشد اما در ادامه به‌قدری سوژه‌ها و داستان‌های جذاب یافته‌اند که می‌شد دوربین را حذف کرد و البته اکنون‌که دوربین حذف نشده است یک جنبه مثبت دارد که صداقت فیلم‌ساز را نشان می‌دهد.

راهپیمایی خانوادگی

فهیم در پایان بحث گفت: دو نکته کاربردی برای فیلم‌های با موضوع اربعین وجود دارد یکی بحث هویت شناسی که در مستند راهی نیز تا حدودی رعایت شده است ولی موضوعی مانند خانوادگی بودن این راهپیمایی و یا چندملیتی بودن شرکت‌کنندگان، در مستند کمتر دیده می‌شود و نکته دوم نشان دادن تحول بوده و همان‌طور که در ژانر جاده‌ای با طی مسیر تحولاتی رخ می‌دهد در این مسیر نیز وقتی فیلم‌ساز به پایان سفر یعنی حرم می‌رسد باید به درک بیشتری نسبت به شروع سفر رسیده باشد و درنهایت، داستان باید این تحول را نشان دهد.

سینمایی که از پیاده‌روی اربعین هم جا ماند

رسول شمالی ورزنده

امروز راه‌پیمایی بزرگ اربعین سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به یک حماسه بزرگ در دنیای اسلام و در سطح جهان مبدل شده است و عاشقان و زوار امام حسین(ع) از سراسر نقاط جهان تلاش می‌کنند تا در این ایام ضمن حضور در صفوف راهپیمایان، خود را به مرقد مطهر سالار شهیدان کربلا برسانند و در فضای معنوی کربلا عشق و ارادت خود را به اباعبدالله نشان دهند. دراین جهت، رسانه‌های صوتی، تصویری، نوشتاری و... در کشورمان تاکنون تلاش گسترده‌ای را در انعکاس این شور و شعور حسینی از سوی میلیون‌ها انسان آزادیخواه و مسلمانان دنیا نشان داده‌اند. دراین میان شاهد همراهی و تلاش شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی صداوسیما هم هستیم که همگام با مردم مسلمان ایران و زوار از سراسر جهان در طول این ایام و در مسیرهای راهپیمایی و در شهرهای نجف، کاظمین، کربلا و...هستیم. همین طور خبرگزاری‌ها و رسانه‌های نوشتاری هم دراین همراهی تاکنون مشارکت بسیار گرم و صمیمی با عاشقان امام حسین(ع) و گرامیداشت مراسم اربعین در کربلا دارند.

رسانه ملی به خصوص در این باره با ساخت و تولید فیلم‌های مستند و فیلم‌های داستانی توانسته مروج این شور و شعور حسینی(ع) باشد. و این درحالی است که متاسفانه دراین حضور حماسی و تاریخی نقش رسانه تاثیر گذار سینما، کم رنگ و بی‌تفاوت بوده است؛ هنر هفتم که می‌تواند نقش سازنده و حمایت‌کننده‌ای را با فضای فراگیر خود ایجاد کند.

متاسفانه طی سال‌هایی که این حماسه شکل گرفته، سینما حضور کم رنگی داشته و هنوز دین خود را ادا نکرده است. طوری که طی این چند سال حتی یک فیلم سینمایی هم در ارتباط با راهپیمایی اربعین(ع) و عشق و شور مردم مسلمان جهان در این رویداد عظیم نبودیم.

امروز حماسه بزرگ اربعین حسینی و راهپیمایی عظیم مردم و عاشقان امام حسین(ع) یک فریضه، معمولی و فرعی نیست بلکه یک حرکت عظیم و دشمن‌شکن است که استکبار جهانی هم از این حماسه به وحشت افتاده و با ایجاد دسیسه و آشوب در عراق به خیال خام خود می‌خواهد این حماسه عظیم را کم‌رنگ کند و این در حالی است که هرروز بر تعداد راهپیمایان اربعین اضافه می‌شود و قشرهای مختلف مردم از هر مرام و مسلکی دراین راهپیمایی و حماسه بزرگ شرکت می‌کنند.

ما امروز در عرصه سینما، سینماگران متعهد، مسلمان و انقلابی را در اختیار داریم که قادرند در رابطه با اربعین حسینی و نمایش این حماسه بزرگ جهانی فیلم‌های سینمایی بسیار نافذ و تاثیرگذاری تولید کنند اما تاکنون در این مورد گامی درست و اساسی برداشته نشده است. شاید دلیل این امر عدم حمایت و پشتیبانی از سوی مسئولان ذیربط باشد. چون معمولا شرایط به گونه‌ای است که اگر فیلم سازی هم بخواهد درباره چنین موضوعاتی کاری کند، منصرف می‌شود. و این درحالی است که امروز هجمه‌های سنگینی از سوی استکبار جهانی به ویژه آمریکا برای کم اهمیت جلوه دادن این حماسه صورت می‌گیرد و رسانه‌های وابسته به استکبار و همچنین رسانه‌هایی که مستقل نیستند هم از ترس و وحشت امپراطوری‌های رسانه‌ای دنیا از انعکاس وسیع این حماسه بزرگ سر باز می‌زنند. بنابراین تنها رسانه‌هایی که درحال حاضر دراین میدان می‌توانند ابعاد عظیم و گسترده این حماسه عشق به اباعبدالله(ع) را به سراسر دنیا انعکاس دهند رسانه‌های کشورمان هستند و در این جهت یکی از بخش‌های مهم هنری و سینمایی که می‌تواند در کنار دیگر رسانه‌های کشورمان فعال باشد سینمای ایران است که همچنان اقدامی نشده است. درحالی که فیلم سازان ما به‌راحتی می‌توانند با سوژه‌های جذاب و بکری که از عشق زوار به اباعبدالله الحسین(ع) در مسیر این راهپیمایی عظیم خلق می‌شود فیلم بسازند تا در سینماهای ایران و جهان به نمایش گذاشته شود. به نظر می‌رسد اگر متعهدانه، انقلابی و با شور وشعور وارد این عرصه شود می‌تواند به عنوان یک رسانه جذاب، تاثیر گذار و مردمی بسیار برای جامعه ما ارزش‌سازی کند. پس نیاز است که این حرکت از سوی مدیران و مسئولان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حمایت شود.چون به هرصورت حرکت عظیم راهپیمایی اربعین و خلق این حماسه بزرگ از سوی مردم می‌تواند نمایش عظمت امت اسلامی در سراسر دنیا باشد لذا برای انعکاس این حرکت عظیم و اهداف آن باید برنامه‌ریزی و تلاش فراوانی انجام گیرد.

امیدواریم که این اتفاق درآینده برای سینمای ایران محقق شود. چراکه ما توانایی ساخت فیلم سینمایی در خصوص راهپیمایی اربعین حسینی را داریم و نیاز هست که این حرکت از سوی مدیران و مسئولان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حمایت شود. به هرحال این کم لطفی سینما و مسئولان فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک نقیصه بزرگ در سینمای ایران است که مقبول افکار عمومی و شایسته مردم ما نیست و بایستی در آینده این مشکل درسینمای ما برطرف شود و این حماسه بزرگ جایگاه ویژه‌ای در سینمای ما داشته باشد.

به هرحال آنچه امروز سینمای ما به آن نیاز دارد ساخت فیلم‌هایی با ارزش‌های دینی و اسلامی و احترام به شعائر مذهبی است.

رضا منتظری، فیلمساز و منتقد:

درجه‌بندی سنی، بهانه‌ای برای قبح‌زدایی و عدم نظارت محتوایی است

مرضیه کرمانجانی

فصل اخیر اکران در سینما دچار یک آئین‌نامه جدید شد؛ از این پس فیلم‌ها باید شامل علائم هشداردهنده درباره محدودیت سنی فیلم‌ها باشد. در نتیجه در معرفی و تبلیغ فیلم‌ها نشانه‌هایی چون «+۱۵»، «+۱۲» و... دیده می‌شود. اما نکته قابل تأمل، تعدد چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران است. یعنی وقتی به فهرست فیلم‌هایی که به تازگی روی پرده سینما رفته‌اند نگاه می‌کنیم، اکثریت فیلم‌ها برای حضور فرزندان خانواده‌ها نامناسب است. همچنین، اغلب این فیلم‌ها، محتوایی به شدت نازل و بعضا ضداخلاقی دارند. رضا منتظری، فیلمساز، فعال رسانه‌ای و منتقد سینما ازجمله کارشناسانی است که دیدگاهی انتقادی نسبت به درجه‌بندی سنی فیلم‌ها دارد. به همین بهانه با وی درباره این موضوع گفت‌وگو کردیم.

مسئولان سینمایی دولت، درجه‌بندی سنی فیلم‌ها را امری لازم جهت صیانت از فرهنگ و اخلاق در جامعه می‌دانند. به‌نظر شما این قانون می‌تواند چنین تأثیری بگذارد؟

از نظر من، رده‌بندی سنی فیلم‌ها یک قبح زدایی است که براساس آن می‌خواهند هر فیلمی‌با هر محتوای شنیع و کثیفی بتواند تولید شود. البته تا الان هم ما متأسفانه از این دست فیلم‌ها که با اعتراض منتقدان و مخاطبان و همچنین اهالی سینما روبه‌رو بوده است کم نداشته‌ایم. البته خوشبختانه مردم امروز از این‌گونه فیلم‌ها استقبال نمی‌کنند و درنتیجه شاهد کاهش تماشاگران و فروش سینما هستیم.

درجه‌بندی سنی فیلم‌ها چگونه به قبح‌زدایی و افزایش ابتذال در سینما می‌انجامد؟

نکته مهم اینکه مسئولان سازمان سینمایی به بهانه درجه‌بندی سنی، دیگر نظارت کافی به محتوای فیلم‌ها ندارند و صرفا این نکته را در نظر می‌گیرند که برای مثال این فیلم برای رده سنی بالای ۱۸ سال است در نتیجه اشکالی ندارد که با چه محتوایی ساخته شده است. در حالی که باید این نکته را در نظر بگیرند که زمانی که آن فیلم، پس از مدتی در شبکه نمایش خانگی یا اینترنت منتشر می‌شود و در دسترس همه قرار می‌گیرد و از طرفی خانواده‌ها هم مانع تماشای این‌گونه فیلم‌ها برای فرزندان خود نمی‌شوند.

تأثیر درجه‌بندی سنی فیلم‌ها بر جریان ساخت فیلم چه خواهد بود؟

من معتقدم رده‌بندی سنی یک اوانس برای سازندگان فیلم‌های سخیف به همراه دارد که هرنوع فیلمی‌با هرمحتوایی ساخته شود و اگر اعتراضی بابت این فیلم‌ها وجود داشته باشد با استفاده از کلمه رده‌بندی سنی این مشکل را توجیه کنند. ما شاهد این هستیم که متأسفانه بخشی از فیلم‌های امروز سینمای ما و به‌ویژه فیلم‌های کمدی سرشار از شوخی‌های رکیک و حرکات غیراخلاقی و فیلم‌های اجتماعی نیز به سیاه‌نمایی و بعضا ضدیت با هویت ملی ما محدود شده‌اند. مسئولان سازمان سینمایی با رده‌بندی سنی، به این نوع فیلم‌ها و سازندگان این‌گونه آثار آوانس می‌دهند و در مقابل انتقادات می‌گویند که رده‌بندی سنی شده است.

به‌نظر شما برای یک سری فیلم‌ها که خشونت‌آمیز هستند و یا موضوعاتی در آنها مطرح می‌شود که ممکن است برای بچه‌ها مناسب نباشد چه باید کرد؟ در این موارد می‌توان تماشای فیلمی را برای برخی گروه‌های سنی محدود کرد؟

ابتدا باید گفت که سینمای ایران در حقیقت یک الگوبرداری از سینمای غرب را در پیش گرفته است. به‌نظر من ما باید اول یک فرهنگ‌سازی درست در خانواده‌های ایرانی داشته باشیم تا مردم از تماشای این دسته فیلم‌ها توسط کودکانشان ممانعت کنند. در نتیجه به‌نظر من برای این فیلم‌ها باید ابتدا فرهنگ‌سازی را نجام دهیم بعد رده‌بندی سنی را مطرح کنیم.

اگر فیلم‌هایی که مروج خشونت هستند یا محتوایی داشته باشند که روی کودکان و نوجوانان تأثیر منفی بگذارد مشمول درجه‌بندی سنی شوند اشکالی ندارد و خیلی هم خوب است، اما من معتقدم هدف مدیران سینمایی این نبوده و همان‌طور که عرض کردم، هدف آنها صرفا اکران فیلم‌هایی با مضامین مسئله‌دار و تقلید از غرب است.

هالیوود زیر ذره‌بین

نگاهی به سریال «سرگذشت ندیمه»

اندیشه‌های سکولاریستی در قالب فیلم

زینب مرزوقی

بی‌شک نام سریال The Handmaid›s Tale یا همان «سرگذشت ندیمه» را شنیده‌اید. سریالی که در ابتدا بیننده‌اش را مات و مبهوت داستانی می کند که اطلاعاتش را ذره ذره در اختیار او قرار می‌دهد و آن را با فراز و فرود شخصیت‌های مرموزش همراه می‌کند. این سریال که فصل اول آن در سال۲۰۱۷ از شبکه هولو منتشر شد براساس رمان پرفروش مارگات اتوود نویسنده کانادایی با همین نام است. سریال، داستان حکومتی را به تصویر کشیده است که از طریق کودتا و با شعارهای حمایت و حفاظت از محیط زیست کاخ سفید را تسخیر و بر قسمت‌هایی از آمریکا مسلط می‌شود.

اگر از تکنیک‌های کارگردانی، فیلمبرداری و سایر مسائل حرفه‌ای فیلمسازی در رابطه با این سریال چشم‌پوشی کنیم پس تنها یک نقطه برای فوکوس می ماند و آن داستان اصلی سریال یا رمان است. شاید در ابتدا بیننده نمی‌تواند به شکل دقیقی داستان فیلم را تحلیل کند و هاج و واج در تحسین سناریو به تصویر کشیده شده بماند. سریال «سرگذشت ندیمه» با به تصویر کشیدن یک حکومت دینی خشن، متجاوز، ضد مدرنسیم و ضد زن به نام گیلیاد با استفاده از ترفندهای فیلمسازی غربی گام به گام و آرام آرام مخاطب خود را دین‌ستیز و ضد دین می کند.

این حکومت دینی که طبق آموزه‌های مسیحیت شکل گرفته است از همان روزهای آغازین خود زنانی که قدرت باروری دارند را از سطح شهر جمع‌آوری می‌کند و به آنان لقب ندیمه را می‌دهد که تنها وظیفه‌شان زاد و ولد برای سران این حکومت و ادامه نسل آدمی است.

همچنین گیلیاد دیگر زنان(همسران صاحبان قدرت و زن‌های طبقات دیگر آن جامعه) را نه تنها در حاشیه اجتماع بلکه در انزوا قرار داده و نه تنها به آنان اجازه خواندن و نوشتن را نیز نمی‌دهد بلکه این کار نیز مجازاتی مانند قطع عضو را در پی خواهد داشت.

ساده‌ترین کارها از رانندگی تا عاشق شدن با برچسب و توجیهات دینی در گیلیاد ممنوع است اما با این وجود ما شاهد فسادهای گسترده‌ای از سوی سران حکومت دینی گیلیاد می شویم که با دو ابزار قدرت و دین به خودشان اجازه هر کاری را می‌دهند.

می‌توان واکنش‌ها به این سریال را به دو دسته تقسیم کرد: در اولین تقسیم‌بندی بینندگانی را داریم که شیفته سریالی می‌شوند که در نظرشان افراط را در یک حکومت دینی به نمایش می‌گذارد و بی‌پرده از فساد سران یک کشور دینی به دور از دموکراسی می‌گوید و از زنان حتی حق انتخاب مسیر زندگی‌شان را نیز می‌گیرد چرا که در قوانین‌شان برای او اختیاری قائل نشده‌اند.

دسته دوم نیز بینندگانی هستند که یک پله جلوترند و با تحلیل سکانس‌های ضد دینی سریال به این باور می‌رسند که قریب به اکثر دیالوگ‌ها، سکانس‌ها و حتی کاراکترها درهر سه فصل پخش شده سعی دارند تا بیننده را نسبت به دین و خصوصا حکومت‌های دینی با استفاده از سناریو اصلی سریال که برگرفته از رمانی با همین عنوان است دین‌زده کنند و این موضوع را در ذهنش بگنجانند که توأمان دین و سیاست در کنار یکدیگر دستاوردی به جز حماقت، خشونت، فساد و تبعیض جنسیتی ندارد.

پس از به سرانجام نرسیدن کشورهای غربی در فردی کردن دین این بار در تقلا است تا در قالب ابزارهای دنیای مدرن و جدید مانند فیلم و سریال تعبیر سکولاریسم را به خورد فرد دهد و ذهنیت او را به سویی سوق دهد که گمان کند دینداری همان افراط است و نمی‌توان از آن دوری کرد پس لاجرم هر حکومت دینی‌یی توان و قابلیت گیلیاد شدن را دارد.

سریال سرگذشت ندیمه حکومت مسیحی گیلیاد را به تصویر می‌کشد اما شعارها و پیام‌های ضد دینی آن دهن‌کجی و طعنه‌ای واضح به دین مبین اسلام است، چرا که تعلیمات منحرف شده دین مسیح توان نفوذ و کارکرد بکارگیری در سیاست را ندارد و این تنها دین اسلام است که برنامه‌ای کامل و جامع برای فرد و اجتماع حاضر در آن ارائه می‌دهد و از لحاظ تعلیمات و آموزه‌های اعتقادی توان ورود به سیاست را دارد.

از ابتدای ظهور اسلام تا امروز زنان جوامع اسلامی رکن اصلی بسیاری از اتفاقات و جریانات اجتماعی و سیاسی به شمار می‌روند و تاریخ اسلام زنان بسیاری را به چشم خود دیده که نه تنها اختیار انتخاب مسیر زندگی‌شان را دارند بلکه جامعه را نیز متاثر از رفتارها، انتخاب و واکنش‌های خود کرده‌اند و این جامعه ضد دینی و سکولار غربی است که تنها در مواقع نیاز، زن را در جریانات و امورات مختلف خود راه می‌دهد و در مابقی مسائل به او نگاه ابزاری می‌دهد.

این سریال دشمنی خود را با اعتقادات و آموزه‌های اصیل اسلامی یا بهتر بگوییم سبک زندگی اسلامی- ایرانی در قالب فیلم بار دیگر ابراز کرد و بیش از آنکه مخاطب مسلمان و ایرانی خود را فریب دهد و اغفال کند بر طبل رسوایی ایدئولوژی سیاسی کشور خود کوبید چرا که این غرب است که زن را در جامعه ابزار جنسی می‌داند و ارزش انسانی او را نادیده می‌گیرد.

نگاهی به فانتزی- موزیکال علاءالدین

سرگرمی به مثابه ترور فرهنگ

احسان رشیدی

والت دیزنی می‌گفت: «من هرگز کار خود را هنر ننامیده‌ام، این بخشی از نمایش کسب و کار است، کسب و کار ساخت سرگرمی.» کمپانی والت دیزنی پس از بازسازی «شیر شاه» به‌صورت لایو اکشن- که پرفروش‌ترین انیمشن تاریخ سینما شد- حالا به سراغ بازسازی علاالدین آمده است و با بودجهٔ ۱۸۳ میلیون دلاری و با فروش یک میلیارد و سی و پنج میلیون دلار، توانست گیشه را از آن خود کند.

علاءالدین، با کارگردانی «گای ریچی» تولید شده است. گای ریچی فیلمنامه‌نویس و فیلمسازی است که با آثاری چون قاپ‌زنی و دوگانهٔ شرلوک هلمز به اوج شهرت رسید. ازجمله نکات قابل توجه درباره این اثر حضور دو بازیگر ایرانی الاصل است؛ «نسیم پدراد» بازیگر نقش دالیا- ندیمهٔ یاسمین- و «نوید نگهبان» بازیگر نقش سلطان که در فیلم‌ها و سریال‌های ضدایرانی ازجمله میهن و لژیون نقش‌آفرینی کرده است.

علاءالدین در ژانر فانتزی- موزیکال ساخته شده و ظاهری سرگرم‌کننده دارد، اما درواقع، فیلمی‌سراسر ضد اسلام و مخصوصاً ضد تشیع است.ترویج انگاره داروینیسم از دیگر لایه‌های محتوایی این فیلم است. اسم میمون علاءالدین «ابو»ست و در جاهای مختلف ابو، جان علاالدین را نجات می‌دهد و مانند یک پدر همیشه مراقب و حامی علاالدین است.هالیوود و ایالات متحده‌ترس از تشیع و مذهب جعفری را حس کرده‌اند و با نام گذاری نفش منفی فیلم به نام جعفر توجه بیشتری را به خود جلب می‌کنند.

در حالی که ایالات متحده خود را در رسیدن به اهداف خویش ناامید می‌بیند،هالیوود با ژانر موزیکال و فانتزی سعی در برآورده ساختن تمنای اربابان سرگرمی‌سازی و متریالیسم فرهنگی دارد. هدف اصلی‌هالیوود؛ نه هنر و نه یادآوری و بازگویی افسانه‌های شرقی، که سرگرمی‌برای فروش و تجارت است و اینکه در وهلهٔ بعد بتواند فکر و ذهن مخاطب را چنانکه می‌خواهد بازسازی کند تا به همان خوراک هالیوودی و اهداف امپریالیستی ایالات‌متحده وابسته باشند.

نقش غول چراغ جادو را ویل اسمیت که یک سیاه پوست است ایفا می‌کند که به دنبال ارباب و اطاعت کردن و برآوردن آرزوهای ارباب خویش است. وقتی علاءالدین می‌گوید تو باید ارباب من باشی، غول می‌گوید: «بله، ولی این‌گونه نمی‌شود!» علی‌رغم موج عجیب ضد نژادپرستی در این چند ساله در هالیوود و به خصوص در اسکار، کاراکترهای علاالدین و جینی- غول چراغ جادو- را می‌توان تلقی و برداشت اصلی از فرهنگ معاصر و پاپ ایالات‌متحده دانست.

موسیقی، نقش برجسته‌ای در فیلم دارد. علاءالدین می‌خواهد با موسیقی به اهداف خود برسد و موسیقی متن، نقطه قوت داستان است. اگرچه اجرای لایو اکشن نقطه ضعف فیلم محسوب می‌شود. در یک هماهنگی، کمپانی‌های تولید فیوژن موزیک و صنعت ورلد موزیک، دست در دست‌هالیوود، اسطوره‌ها و افسانه‌های شرقی را برای فروش گیشه و خالی کردن هم‌زمان فکر و جیب مخاطب، دستمایهٔ استحالهٔ تاریخ و فرهنگ‌های شرقی نموده‌اند. به‌عبارت دیگر، ذات‌هالیوود بازمی‌گردد به ذات مزورانهٔ پسامدرنیسم و پدیدهٔ چند فرهنگی (مولتی کالچریسم) نهفته در اهداف غارتگرانهٔ آن.

علاءالدین، فیلمی‌ست با نشانه‌های فراوان دین ستیزی و دنباله‌رو این شعار اومانیستی که دین من، انسانیت من است و البته دیدگاه‌های آتئیستی و داروینی. شهر «آگرابه»، شهر تخیلی در جین است که در نسخهٔ انیمیشن به امتداد رود اردن پیوند زده شده و این تحریف اساسی در تاریخ و جغرافیاست. درحالی که در خود آمریکا به اسلام هراسی فیلم اعتراض شده و حتی شورای روابط آمریکایی- اسلامی با بیانیه‌ای، اهداف فیلم را اسلام‌هراسی، نژادپرستی و تبلیغ کلیشه‌های نژادی دانسته است.

هر دو شخصیت اصلی فیلم؛ یاسمین و علاالدین از یک مسئله رنج می‌برند و یک عامل بازدارنده که همان قوانین دست و پاگیر است که باعث جدایی دو فرد می‌شود و البته آن را در استتار قوانین دین درآورده است. قطعهٔ نخست کار با نام شب‌های عربی، کاملاً اغراض نژادپرستانه دارد و اعراب را وحشی و بی‌فرهنگ معرفی می‌کند (آنجا که چنین وانمود می‌کند که اگرچهرهٔ شما را دوست نداشته باشند گوش‌های شما را می‌برند.)

علاءالدین پایانی کاملاً فمنیستی دارد. یاسمین تبدیل به سلطان می‌شود و قوانین را تغییر می‌دهد و این‌گونه القا می‌شود که تا زمانی که زنان روی کار نیایند، قوانین دست و پاگیری وجود خواهد داشت؛ البته در برخی از کشورهای غربی حضور زنان در سیاست را دیده‌ایم که چگونه بر مردم دیگر ظلم و ستم می‌کنند و کودکان را می‌کشند. یک نمونهٔ آن؛ لیونی وزیر خون‌ریز و کودک‌کش رژیم صهیونیستی است که در دوران وزارت خود تعداد زیادی از کودکان فلسطینی را به شهادت رساند و نمونهٔ دیگر رئیس‌جمهور کرواسی- «کیتاروویچ»- سرهنگ ارتشی و نفر دوم ناتو که مستقیماً در جنایات ناتو شریک است. حکمران لیبرال چه زن باشد چه مرد، پایانی خونین، با افول فرهنگ و اخلاقیات به همراه خواهد داشت. سلطان، با بازی «نوید نگهبان» به بیننده یادآوری می‌کند که اشاره مستقیم فیلم به ایران است و وقتی که سلطنت را به یاسمین می‌سپارد بار سیاسی داستان به اوج خود می‌رسد. چنین وانمود می‌شود که یاسمین قصد فرار از یک فرهنگ سرکوبگر و کنترل‌کننده را دارد و البته شخصیت علاءالدین سعی دارد که تغییراتی به‌وجود آورد و به‌صورت منجی و یاری‌کنندهٔ یاسمین ظهور می‌کند تا او را از سلطه نجات دهد. فیلم با این روایت به مخاطب القا می‌کند که ایالات متحده چنین نقش نجات دهنده‌ای را در غرب آسیا دارد؛ آمریکایی که خود عامل ویرانی کشورها و نابودی فرهنگ‌هاست.